نخستین جشنواره جهانی فیلم تهران



ساعت ۲۱ روزیکشنبه بیست‌وهفتم فروردین‌ماه ، نخستین جشنواره جهانی فیلم تهران با تشریف‌فرمائی علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران گشایش یافت . دراین مراسم ابتدا اعضاء هیئت داوران بین‌المللی ومیهمانان عالیقدر جشنواره بحضور علیاحضرت شهبانو معرفی شدند وسپس جناب آقای پهلبد وزیر فرهنگ‌وهنر ضمن بیاناتی (که متن کامل آن درهمین شماره بچاپ رسیده است) هدف ازتشکیل این جشنواره را بعرض رساندند وپس‌ازبیانات‌ایشان فیلم «رابط فرانسوی» ازقسمت اطلاعات جشنواره نمایش داده شد .

چاپخانهٔ وزارت فرهنگ وهنر

متن سخنرانی
جناب آقای پهلبد وزیر فرهنگ و هنر

درمراسم گشایش نخستین جشنواره جهانی فیلم تهران

علیاحضرتا :

تشریف‌فرمائی علیاحضرت شهبانوی‌ایران به تالاررودکی مایه مباهات و سرافرازی خدمتگزاران و علاقمندان فرهنگ وهنر است .

نخستین‌جشنواره جهانی‌فیلم تهران آغازسومین‌جشنواره هنری بین‌المللی است‌که درپرتو ایمنی وآرامشی‌که برهبری شاهنشاه فرهنگ‌پرور به وجود آمده‌است درکشور پایه‌گذاری میشود .

این جشنواره ازمیان نزدیك به ۲۰۰ فستیوال سینمائی ، جزء شش جشنواره مسابقه‌ای طراز اول بین‌المللی است که ازطرف فدراسیون جهانی تهیه‌کنندگان فیلم برسمیت شناخته شده وازشروع کارموردِاستقبال شخصیتهای‌برجسته وهنردوست کشورهای مختلف جهان قرارگرفته است .

هدف اصلی جشنواره براساس یکی‌ازخصائص‌بارز روحی ایرانی ترغیب انساندوستی وکمك به تفاهم بین انسانهاست‌که درانتخاب آن شخصیت واندیشه بلند شاهنشاه آریامهر مستقیماً الهام‌بخش بوده است .

برگزاری این جشنواره بی‌شك دربالا رفتن سطح معلومات سینمائی جامعه امروز ایرانی‌که ازتمام جهات درراه سازندگی گامهای بلندی برمیدارد تأثیربسزائی خواهد داشت ونمایش فیلمهای ایرانی همراه با فیلمهای‌برگزیده دیگرکشورها دراین مسابقه بین‌المللی دگرگونی مطلوبی درکار سینما ودوستداران هنر هفتم بوجود خواهد آورد .

هیئت داوران جشنواره مرکب از :

آقای گرگوری چوخرای کارگردان فیلم از اتحاد جماهیر شوروی

آقای تورولد دیکینسون کارگردان فیلم و استاد سینما از انگلستان

آقای مایکل کوتزا مدیر جشنواره فیلم شیکاگو از ایالات متحده آمریکا

آقای آلبرتو لاتوادا کارگردان فیلم از ایتالیا

آقای عبدالمجید مجیدی وزیرکار وامور اجتماعی و رئیس شورای هنرهای نمایشی از ایران

آقای سالس‌گومس منتقد سینما ازبرزیل

آقای صلاح ابوسیف کارگردان فیلم ازجمهوری متحده عربی

خانم کاشیکو کاواکیتا مدیر شورای فیلمخانه‌های ژاپن از ژاپن

خانم اُدیل ورسوآ هنرپیشه سینما ازفرانسه

آقای ایمره جیونجوشی کارگردان فیلم ازمجارستان

آقای ساتیا جیت ری کارگردان فیلم ازهندوستان

ازبرجسته‌ترین شخصیتهای سینمائی هستندکه درکار خود بصیر ومطلع بوده درعالم سینما شهرت واعتبار فراوانی دارند .

با تقدیم سپاس بی‌پایان به پیشگاه مبارك اجازه میخواهد ازتمام شخصیتها ومنتقدین هنری‌که دعوت جشنواره جهانی فیلم تهران‌را پذیرفته وبه‌ایران‌آمده‌اند ونیز ازتمام سازمانهای ملی و دولتی داخلی و خارجی‌که دربرگزاری این رویداد بزرگ هنری همکاری داشته ودارند تشکرنماید .

گریگوری چوخرای

گریگوری چوخرای متولد ۱۹۲۲ ، کارگردان برجسته اتحاد جماهیر شوروی با فیلمهای برجسته و تحسین شده‌ای چون چهل‌ویکمین (۱۹۵۶) ، حماسه یك سرباز (۱۹۵۹) ، آسمان صاف (۱۹۶۱) . . .

بیش از سی سال از زمانیکه گریگوری چوخرای وارد «انستیتوی سینماتوگرافی مسکو» شده میگذرد ، چوخرای زمانی وارد این انستیتو شد ، هدفش پیگیری و به‌انجام رساندن فکری بود که مدتها ذهنش را مشغول کرده بود ، وی قصد داشت خود را وقف سینما کند ، اما چوخرای نتوانست به مطالعات خود در انستیتوی مزبور ادامه بدهد چه بعد از چندی او را به خدمت نظام بردند ، چوخرای درسالهای سربازی در جنگهای مختلفی شرکت نمود ، چوخرای ابتدا یك سرباز عادی بود ، اما بزودی بهجرگه چتربازان پیوست و در نبرد استالینگراد پنج‌بار زخمهای مهلکی برداشت .

رویهمرفته گریگوری چوخرای شش سال از محیط انستیتو و مطالعات سینمائی دور بود ، ولی بعد از پایان جنگ بلافاصله به انستیتو روی آورد اما درگیری او با جنگ سبب شد زمانی وی از مدرسه سینماتوگرافی فارغ‌التحصیل شود که کم‌وبیش ایام جوانی‌را پشت‌سر گذاشته بود .

گریگوری چوخرای از این مدرسه با طی مدارج عالیه فارغ‌التحصیل شد درحالیکه زمان ورود به مدرسه مزبور از پاسخگوئی بساده‌ترین سئوالات عاجز بود و اطلاعاتش در حدود همان محفوظات دبیرستانی دور میزد . امـا قدرت تخیل بی‌نظیری داشت و این توانائی بود که نظر موافق ممتحنین را جلب نمود ، یکی از ممتحنین «سرگئی یوتکه ویچ» کارگردان فوق‌العاده معروفی بود . وی پس‌از آنکه حدس زد در «چوخرای» چنین قدرتی وجود دارد مصمم شد که با چوخرای یك گفتگوی خودمانی داشته باشد و در چنین گفتگوئی بود که «یوتکه ویچ» پی برد که وی تا چه اندازه میتواند برای سینمای شوروی مفید افتد .

با تشخیص «سرگئی یوتکه ویچ» بود که مدرسه سینما توگرافی مسکو به « چوخرای » یاریهای فوق‌العاده‌ای مبـذول داشت و او را درجهات علمی و عملی تقویت نمود . چوخرای پس از پایان رسانیدن مدرسه سینمائی ، چندین سال درمقام معاون با کارگردانان نامداری چون « میخائیل روم » ، « سرگئی یوتکه ویچ » و «ایگور ساونچنکو» کارکرد و سرانجام پس‌از طی چنین مقدماتی چوخرای به مسفیلم رفت و در آنجا طرح تهیه فیلمی را عرضه کرد و با موافقت مسئولین مسفیلم روبرو شد وبدین‌ترتیب بودکه «گریگوری چوخرای» بعنوان کارگردان کارش را در سینمای شوروی آغازکرد وباعرضه نخستین فیلمش « چهل‌ویکمین » در جرگه با استعدادترین آنها قرارگرفت .

«چهل‌ویکمین» در سال ۱۹۵۶ به نمایش درآمد ، این‌فیلم نه‌تنها درشورای بلکه دراکثر کشورها مورد تحسین منتقدین واقع‌شد ، بهجهت اینکه چوخرای در این فیلم از سنن دیرینـه سینمای شوروی بمیزان قابل‌توجهی عدول‌کرده وبداعترا درکارش نفوذ داده‌بود تمجید شد .



گریگوری چوخرای در « چهل‌ویکمین » ازنشان‌دادن زندگی وحقایق آن درقالبی سطحی وعادی پرهیزکرد . او حتی از اصولی کـه آیزنشتاین ، پودوفکین ، و داوژنکو ازطریق آنها سینمای شوروی را به جهان معرفی کرده بودند ، پافراترگذارد وطریقی کاملاً سوای‌آنچه که بزرگان سینمای شوروی داشتند ، برگزید .

دراینحال چوخرای مدعی هیچ چیزی نیست ، او درفستیوال بین‌المللی سانفرانسیسکو یکسال بعد ازنمایش «چهل‌ویکمین» ، درپاسخ سئوالات متعدد منتقدین پاسخهـای جدی ، متفکرانه و مستدلی داد . چوخرای درمورد سنت‌شکنی و زیرپاگذاردن اصول کار پیشینیان سینمای شوروی چنین‌گفت :

« من از تجربیات همکارانم استفاده‌های سرشاری‌برده‌ام وبرای‌کارآنهاارزش‌فوق‌العاده‌ای قائل هستم . »

«چوخرای» دراینحال درمورد برخی از کلیات بدیع‌کارش چنین‌گفت :

« اگر قرار باشد هنرمندان وکارگردانان جوان به پیروی ازقدما به‌کارشان ادامه بدهند ، بنابراین دیگر نمیتوان بین ایده‌های تازه ونو با ایده‌های کهنه وقدیمی امتیازی قائل شد ، جوانها وجوان‌ترها حرفهای تازه‌ای دارندکه درصورت‌امکان به‌هروسیله‌ای‌که‌شده‌باید بگویند ، حال چه بهترکه این وسیله سینما باشد . »

واما «چهل‌ویکمین» فیلمی که«چوخرای» درمقام یك‌کارگردان با هوش و مستعد سینما معرفی‌کرد ، داستان عده‌ای سرباز و دختری است‌که خودرا وقف انقلاب‌کرده‌اند . دخترك وفادار و صمیمی است ، از مرگ نمی‌هراسد ، به عشقی‌که دروجودش دارد مؤمن ومعتقد است .

« ماری یوتکا » قهرمان زن این داستان ، موجودی پاك ومنزه است ، استقلال دارد ، خونگرم است وچون سایر دخترهای همسن‌وسال خود به‌زندگی می‌اندیشد وبه‌آن علاقه دارد و چوخرای در بیان این داستان ، میداندکه با احساسات بشری سروکـار دارد و با دید فوق‌العاده‌اش ، جزئیات را بطریقی‌کاملاً مؤثر به تماشاگر می‌نمایاند . جزئیاتی‌که درزندگـی روزمره هرکسی ممکن‌است وجود داشته باشد . اما ازنقطه‌نظرکار سینمائی امری بس مهم وقابل توجه است .

قدرت «چوخرای» در به نمایش‌گذاردن این چنین جزئیاتی درفیلم «حماسه یك سرباز» توسعه بیشتری پیداکرد ، برخی ازمنتقدین ، بعد ازنمایش این فیلم نوشتند که چوخرای بـه موضوعات جنگی علاقه زیادی دارد ، اما بایستی اذعان‌کردکه این نظریه عادلانه‌ای نیست ، زیرا از روی دو فیلمی‌که چوخرای ساخته نمیتوان قضاوت‌کردکه او موضوعات جنگی را ترجیح میدهد . (این نظررا یك منتقد بعد ازنمایش فیلم «حماسه یك سرباز» نوشت). وی بعدازاین فیلم «آسمان صاف» و «روزگاری یك پیرمرد ویك پیرزن، بودند» را ساخت‌که این دومی ابداً موضوع جنگ را حتی درحاشیه هم ندارد.

چوخرای درکارش به جزئیات بس‌کوچك بند میشود واز رجزدن آنها ، کلیت با اهمیت وپرارزشی‌راسبب میشود ، در«ساتردی ریویو» ، «هولیس آلبرت» درباره فیلم «حماسه یك سرباز» وتأکید برچنین جزئیاتی چنین نوشته است : «اگر فی‌المثل بخواهیم درمورد «حماسه یك سرباز» مثال بزنیم‌که چه‌کار تازه وبدیعی شده ، باید همان صحنه آغاز فیلم را ذکرکنیم ، صحنه‌ای‌که سه تانك مهیب وغول‌پیکر و یك سربازکه از شدت وحشت و تنهائـی سر از پا نمی‌شناسد ، به نمایش‌گذارده میشود . این صحنه واقعاً جالب‌است ، زیرا چوخرای تنها باامکانات سینمائی ، تأثیری راکه میخواسته ، اخذکرده ، اما بایستی درنظرداشت‌که تنها صحنه‌اشاره شده دراین فیلم حائز اهمیت نیست ، بلکه نکات ظاهراً بی‌اهمیت زندگی‌که به‌چشم افراد عادی نمی‌رسد دراین‌اثر به درستی ودرکمال‌موردبحث وبررسی واقع شده است . »

چوخرای درآثارش‌به‌فردخاصی‌نمی‌اندیشد، او به نوعی با فیلم روبرو میشودکه یك شاعر با شعرش . . . او درائرش‌پیام بجای میگذارد ، پیامهای با ارزش ، پیامهائی‌که خارج ازتصنع ، تزویر ورنگ‌های‌امتحان شده‌است ، او به‌کیفیت بیش ازکمیت ، به‌ماهیت بیش ازظاهر هرچیز می‌اندیشد ، او آدمهایش‌را نمونه انتخاب میکند وازطریق آنها تماشاگران را تشویق میکندکه به‌زندگی بهتر ، شرافتمندانه‌تر ، شیرین‌تر و با افتخارتربیاندیشند وجهت خلق چنین صحنه‌هائی هیچگاه به‌سنت‌نیاندیشیده ودربیانشان‌هم‌آهنگی وهارمونی خاصی را قائل شده است . . .

چوخرای درحال حاضر یکی از استادان سینمای شوروی‌است وشاگردانی‌را برای سینمای آینده تعلیم میدهد .

مصاحبه‌یی کوتاه با :

بهرام ری پور

کارگردان فیلم

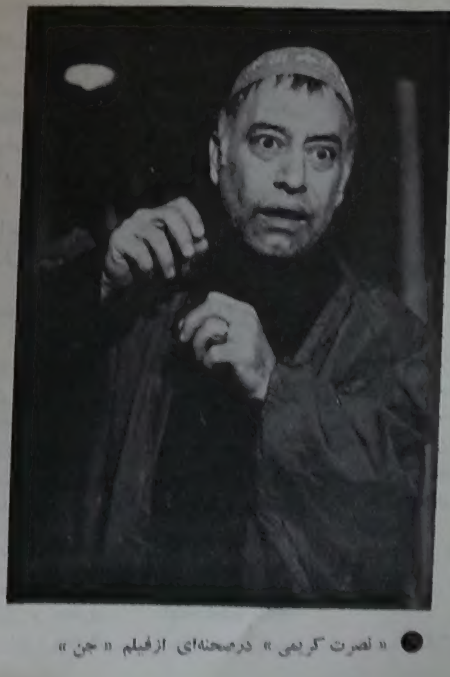
جن

* چند سالست درکار سینما هستید ؟

– اززمانیکه کار مطبوعاتی من شروع شد ازهمان زمان به سینما علاقمند شدم . یعنی ۲۰ سال است . آشنائی‌من با سینما با نوشتن درباره سینما آغاز شد . یعنی نزدیکترین وسیله‌ئی که برای آشناشدن با هنر مورد علاقه خود دراختیار داشتم .

* و بعد . . . . . .

– وبعد کار فیلمسازی را بطورعملی دروزارت فرهنگ وهنر شروع‌کردم وتابحال چندین فیلم درزمینه‌های مختلف و با کیفیات متفاوت ساخته‌ام .



« نصرت کریمی » درصحنه‌ای ازفیلم « جن »

* چگونه بفکرساختن « جن » فیلم کوتاه داستانی‌که درقسمت اطلاعات نمایش داده میشود افتادید ؟

– داستان این فیلم را درمجله‌ای خواندم فضای‌تصویری این داستان مدتی مرا مشغول کرده بود ، البته مسائل مطروحه درآن برای ساختن یك فیلم بلند مناسب نبود ، بالاخره بعد ازیکسال با همکاری یکی ازدوستانم سناریوئی با تغییراتی و اضافه و کم‌کردن شخصیتهائی تهیه دیـــدم و با همکاری نصرت‌کریمی ، عصمت صفوی وعزت‌الله رمضانی‌فر بازیگران فیلم « جن » ساخته شد .

* سوای فضای تصویری درداستان چه مسائل دیگری نظر شما را جلب‌کرده بود ؟

– درداستان مسائل خرافات مطرح بود وازطرفی فضای «ماکابر» آن اجازه می‌داد‌که اینگونه مسائل را با طنزی‌که درنفس‌کـــار بود بیامیزیم تا ضمن پیش رفتن فیلم ، سستی وبی‌اساس‌بودن اینگونه مسائل خودبخود آشکار گردد .

* تابحال یعنی تا « جن » وزارت‌فرهنگ‌وهنر مستقیما فیلم داستانی «هنرپیشه‌دار» بسیارکم ساخته بود ، نظر شما درمورد این تجربه‌که مدتی بود ازآن غفلت شده بود چیست؛

– این اولین‌کار داستانی من دروزارت فرهنگ وهنر است و از نقطه نظر به ثمررسیدن اینگونـــه فیلمها (فیلمهای داستانی) کار با موفقیت پیش رفت وبسیاری ازکسانیکه فیلم را دیده‌اند ازفیلم راضی هستند .

* شاید ادامه این راه واختصاص فعالیت بیشتر دراین زمینه امکان تهیه فیلمهای بلند داستانی را برای‌کارگردانانی که دروزارت فرهنگ وهنر فعالیت میکنند فراهم آورد نظر شما دراین باره چیست ، خاصه اینکه درصورت تهیه فیلمهای خوب ، ازنقطه‌نظر سرمایه‌گذاری وفعالیت انتفاعی امکان تهیه اینگونه فیلمهارا توسط وزارت‌فرهنگ‌وهنر بیشترخواهد‌کرد .

– بطورکلی تاآنجاکـــه اطلاع دارم ساختن فیلمهای داستانی بلند دربرنامه تولیدات سینمائی وزارت فرهنگ وهنر قرار نداشته ، اما بهرحال این‌کاریست‌که به تجربه‌اش خاصه درجهت پیشبرد سطح‌کیفی فیلمسازی مملکت می‌ارزد ولو اینکه تمام تجربیات موفقیت‌آمیز نباشد ، وزارت فرهنگ وهنر میتواند با «مدل» یا «نمونه» سازی به پیشرفت‌کار کمك کند وتوجهات‌کیفی به امرتولید فیلم بدهد .

* یکجورکمك درزمینه اعتلای‌کیفی . . . ؟

– بله ، با تمام سابقه‌ئی‌که درامرفیلمسازی‌داریم بهرحال سینمای‌کشور ما سینمای جوانی بحساب میآید ومن فکرمیکنم که بهرحال این سینما باید در «پناه» وحمایت دولت باشد تا مسیر واقعی خودرا پیدا کند .

* درمورد در «پناه» ویا در «حمایت» بودن سینما توضیح بیشتری بدهید .

– منظور از درپناه بودن ومورد حمایت قرارگرفتن این است‌که سینما برخلاف بسیاری ازهنرها دراسارت امور اقتصادی و تجاری است که بطور اجتناب ناپذیر در«کیفیت کردن» آزادکردن هنرمند ازاین قیود ومشکلات است و نه دخالت درامر آفرینش .

* برای‌فیلم بعدیتان‌که امیدواریم فیلم داستانی‌بلندمدت باشد آرزوی موفقیت داریم .



● «آرتور گارفونکل» و «جك نیکولسون» در «معرفت جسم»

معرفت جسم

نقد ، نوشته‌ی : آلن آیلز

ترجمه : ح . ز

معرفت‌جسم مرا بیاد جمله‌ای درفیلم « ادامه بده پرستار » می‌اندازد که یك پرستار به بیماری که از پائین کشیدن شلوارش جلوی او خجالت می‌کشد ، بعنوان سرزنش می‌گوید :

اینهمه ادا و اطوار بخاطر یك‌چیز کوچك ؟

جوزف ای . لوین‌که استاد بی‌همانندی در تبلیغات و سرو صدا راه انداختن است این فیلم کم‌مدعا ، کوتاه، تکه‌پاره ، واشتیاق برانگیزرا بصورت یك واقعه بزرگ درآورده است . البته او از کمك گفتگوهای بی‌پرده (کثیف) و همچنین منظره نادر بدن برهنه یك هنرپیشه‌مشهور (آن مارگارت) که بیشتر اوقات روی تختخواب‌مدور بسبك‌پلی‌بوی دراز می‌کشد ، بهره‌مند بوده است . ولی ژول فایفر نویسنده سناریو بیش از آن در اصطلاحات امریکائی وارد است که استفاده او اززبان دستاویزی برای ایراد از لحن زننده فیلم برای منقدین فراهم کند و کاوش فیلم درنگرانی و اشتغال ذهنی دائمی جنس مذکر باسکس و توانائی ، عکس‌العمل موافقی در همه تماشاگران - بجز آنها که صددرصد پاك هستند - برمی‌انگیزد !

جك نیکولسون اجرای استادانه‌ای از کاراکتر مردی خوش‌مشرب ، جذاب ومطمئن را ارائه میدهدکه اعتماد بنفس کوته‌نظرانه‌اش باگذشت سالها درهم فرو می‌ریزد. و او از یك ایده‌ال فلج‌کننده و مبهم (که بازی ظریف یك آکروبات روی یخ تجسم بصری آن است .) به روابط خودخواهانه‌اش با زنان زیبا رو می‌آورد و رفته‌رفته آنقدر به وضعیت ناتوانی جنسی نزدیك میشود که تنها حرکات تحریك‌کننده و حرفه‌ای یك روسپی میتواند برآن فایق آید .

در مقابل او دوستش (آرتور گارفانکل) قرار دارد ، که روابطش با زنان از اظهار عشق محجوبانه نسبت به «کندیس‌برگن» در دانشکده‌شروع‌میشود وبه‌درگیریش با سینتیااونیل تحکم‌کننده و بالاخره عشقبازی با یك هیپی کم مدعا (کارول کین) می‌انجامد . بازی آن مارگات با توجه به نقش آفرینی‌او در « زمانی یك دزد » و « بچه سینسیناتی» و تاحدی بعلت تأثیر خاص شخصیتی که او ایفای نقشش‌را بعهده دارد ، چندان چشمگیر نیست .

پرداخت متقاعدکننده کارگردان مایك نیکولز و طرح تولید محتاطانه ریچارد سیلبرت بی‌اندازه به فیلم کمك می‌کند ــ فیلم اغلب اوقات نشاط‌آفرین ، گاهی عمیقاً نفوذکننده و در یك سطح آشکار پیوسته دقیق است ولی طرح زمانی مبهم و روش گزارشی ارائه موضوع ، فیلم را کم‌اهمیت ، خسته‌کننده و کمی نارضایتبخش ساخته است .

مشخصات فیلم

کارگردان : مایك‌نیکولز، فیلمنامه: جولزفایفر، فیلمبرداری (بطریقه پاناویژن و تکنی‌کالر) : جیوزپه روتونو . مدیر تولید : ریچارد سیلبرت . مدیر هنری : رابرت لوتارد . برش وپیوند : سام استین، تهیه‌کننده همکار : کلیورید ، تهیه‌کنندهٔ اجرائی‌جوزف . ای . لوین . تولید: مایك نیکولز برای آوکوامبسی . پخش : آوکوامبسی ، ۹۷ دقیقه .

بازیگران :

جك نیکولسون (جاناتان) ، کندیس برگن (سوزان) ، آرتوگارفانکل (سندی) ، آن مارگرت (بابی) ، ریتامورەنو (لوئیز) ، سینیتا اونیل (سیندی) ، کارول کین (جنیفر) .



● صحنه‌ای ازفیلم « رابط فرانسوی » اثر « ویلیام فریدکین » که شب افتتاح جشنواره درپیشگاه علیاحضرت شهبانو نمایش داده شد وقرار است روزچهارشنبه ۶ اردیبهشت درسینما دیاموند مجدداً نمایش داده شود .

جلسات مطبوعاتی

درطول ده روزی که جشنواره دایر است هرروز صبح درساعت ۱۰ یك جلسه مطبوعاتی درهتل شرایتون (محل اقامت میهمانان بین‌المللی جشنواره) تشکیل می‌گردد .

در این جلسات فیلمهای شب پیش مورد بحث قرار می‌گیرد ، ازصاحبنظران فیلم نظر خواسته می‌شود .

بعضی ازکارگردانان که فیلمهایشان در جشنواره نمایش داده می‌شود وبه‌ایران آمده‌اند ، در این جلسات شرکت کرده ومستقیماً بسئوالات منتقدین وخبرنگاران سینمایی مطبوعاتی پاسخ خواهند داد .

اداره این جلسات بعهده آقای هژیر داریوش منتقد وفیلمساز ایرانی‌است .

ازعموم منتقدین‌وخبرنگاران محترم جراید برای شرکت در این جلسات دعوت می‌شود .

*

TODAY'S FILMS

COMPETITION PROGRAMME ROUDAKI HALL

4 p.m. Japan — Swords of Death, Dir. : T. Uchida.

7 p.m. Romania — Il Marea Tracere, Dir. : M. Ileasu United States — Klute, Dir. : A. J. Pakula.

CINEMA SHAHRE FARANG

2 p.m., 7.30 p.m. Czechoslovakia — Ces Messieurs S'amusent, Dir. : J. Lacko Iran. — Iran, Land of Religions, Dir. : M. Tayyab.

5 p.m., 10.30 p.m. Kuwait — The Cruel Sea, Dir. : Khalid Siddiq

INFORMATION PROGRAMME CINEMA DIAMOND

2 p.m., 7.30 p.m. Iran — The Rape, Dir. : H. Mesdaqi India — A Village Smiles, Dir. : S. Sukhadev.

5 p.m., 10.30 p.m. Canada — Mon Oncle Antoine, Dir. : C. Jutra Iran — Djinn, Dir. : B. Reypour.

RETROSPECTIVE—Pasolini films CINEMA SHAHRE GHESSEH—

At 3 p.m., 5.30 p.m., 8 p.m., 10.30 p.m. La Commare Secca

FILM JOURNALS IN IRAN

IT BEGAN 44 YEARS AGO

Ever since cinema became popular in Iran a number of more sophisticated enthusiasts have been publishing specialised film journals in Tehran. These journals have experienced varying fortunes. Some disappeared after the first few issues without making any appreciable impression.

Others, however, survived and have now established themselves among popular magazines here. The following is a summary of the history of specialised cinema journals in Tehran:

The first such magazine was called "Namayesh" (Show) which appeared in 1928. It was edited by Eshaq Zanjani and published fairly irregularly. Only three issues of the magazine appeared in all. In 1933 Amir Moez published another magazine "Hollywood" which included in its staff of writers Iraj Pezeshkzad, now a popular humourist, Jalal Nematollahi, Ahmad Abrishami and Albert Bernardi.

Published every other week "Hollywood" was also short-lived. It disappeared from the scene after only 20 issues. Both these magazines were produced by amateurs who were genuinely interested in informing the cinema going public in this country about the new art form of the 20th century.

In 1934 a new film magazine called "Iran Film" appeared as the house organ of the Iran Film Corporation which was one of the pioneers of film making in this country. The new journal did not fare any better than its predecessors and disappeared soon after.

"Iran Film" was followed in 1935 with a new magazine called "Honarpishehgan" (Artists) which, although it treated of various other art forms put the emphasis on cinema. "Honarpishehgan" proved equally short-lived and it's disappearance from the scene was followed by five years during which no cinema journals appeared at all.

The Iranian film industry began establishing itself as an important field of new activity in the early fifties. In 1951 the Pars Film Corporation published its own house organ which soon developed into a popular journal which mainly introduced the company's new productions.

The new magazine was called "Alam-e-Honar" (The World of Arts). This prompted Iran Film, the rival film company to resume the publication of its own magazine.

A year later two more film magazines began publication, a fact that indicated the increasing popularity of cinema in this country. The new magazines were called "Jahan-e-Cinema" (The World of Cinema) and "Cinema va Theatre" (Cinema and Theatre) respectively. The two new magazines soon engaged into a bitter competition that finally killed both.

In the same year another magazine called "Setarehgan Cinema" (Cinema Stars) appeared in only one issue.

In 1953 a new magazine called "Setareh Cinema" (Cinema Star) began publication. It has continued its fairly prosperous life ever since as Iran's oldest film journal to be still alive.

In 1954 the late writer and critic, Toghrul Afshar, launched his "Payk-e-Cinema" (The Messenger of Cinema) which became quite popular. It ceased publication after Afshar was killed in an accident.

Ever since several other film magazines including "Cinema" "Honar va Cinema" (Art and Cinema) and "Alam-e-Honar" (The World of Arts) have appeared.

The magazine "Film va Honar" Films and Arts) has also established itself as a weekly with an appreciable circulation.

A number of other publications dealing with cinema have also appeared in Tehran and other major Iranian cities from time to time but few have lived long enough or have made an important contribution to the popularisation of the seventh art in this country.

ROUND TABLE DISCUSSIONS

One of the main features of the Tehran International Film Festival this year is provided by the series of round table discussions organised by the festival committee. These sessions will open at 10 a.m. every day at the Sheraton Hotel. They will be chaired by film critic Hazhir Dariush and will be attended by cineasts whose work has been shown the previous night at the festival. Iranian and foreign journalists and critics are invited to attend the daily discussions.



William Friedkin's steady handling of the narrative quickly convinces one that the film knows exactly what it's doing and keeps one engrossed as scenes in Marseilles and New York are calmly intercut without any as yet clear connection, and as the wearying routines of police surveillance are carried out after a puzzling observation and hunch by Hackman's detective. The film gains tension by revealing that the villains are largely aware of the police efforts and even cool enough about it that the French mastermind (Rey) can outwit his tail (Hackman) and wave a mocking farewell as he makes a clear getaway. Then suddenly the tables are nearly turned as a sniper almost picks off the detective, leading into a sequence that enables producer Phillip D'Antoni of Bullitt to compete with himself as Hackman commandeers a passing car to chase the overhead train on which the sniper is escaping. Hackman sets out to relegate Steve McQueen's driving efforts in Bullitt to the horse and buggy era and, as his car weaves and scrapes past obstacles to end up a virtual write-off, one is long past wondering how the assassin knew where to waylay the cop in the first place and intent on pressing one's feet into the carpet as Hackman presses desperately down on the pedals on screen.

The final confrontation between the two sides is a massive shoot-out reminiscent of a Thirties gangster climax but again updated so that, after Hackman's cop has shown just enough restraint to avoid picking off one fellow-officer, he can then throw caution aside and commit a fatal error as the smiling Frenchman does a disappearing act. The French Connection is as shrewd a blend of old idioms and modern switches as you could wish for, and a guaranteed pleasure for anyone in search of skilled escapism.

Allen Eyles

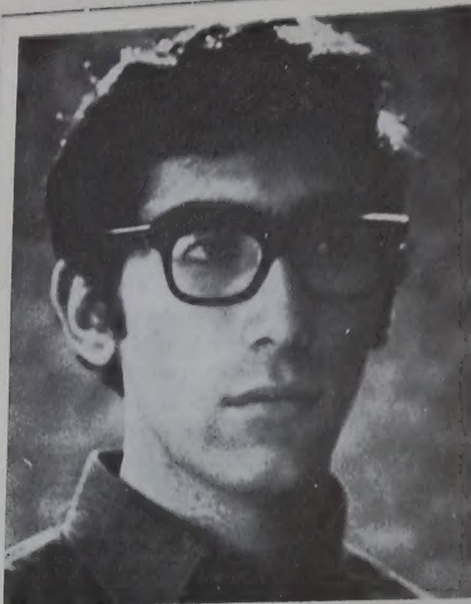
CREDITS

Dir: William Friedkin. Sc: Ernest Tidyman (the book by Robin Moore). Ph: Owen Roizman (in colour by De Luxe). Art dir: Ben Kazaskow. Ed: Jerry Greenberg. Mus: Don Ellis. Stunt co-ordinator: Bill Hickman. Exec prod: G. David Schine. Prod: Philip D'Antoni. Dist: 20th Century-Fox. 104m. With Gene Hackman (Jimmy "Popeye" Doyle), Fernando Rey (Alain Charnier), Roy Scheider (Buddy Russo), Tony LoBianco (Sal Boca), Marcel Bozzuffi (Pierre Nicoli), Frédéric De Pasquale (Henri Devereaux), Bill Hickman (Bill Mulderig), Ann Rebbot (Marie Charnier), Harold Gary (Joel Weinstock), Arlene Farber (Angie Boca), Eddie Egan (Lt. Walter Simonson), André Ernotte (Maurice Lavalle), Sonny Grosso (Phil Klein), Pat McDermott (Chemist), Alan Weeks (Drug pusher), Al Fann (Informant), Irving Abrahams (Police mechanic), Randy Jurgensen (Police Sergeant), William Coke (Motorman). The Three Degrees (The Three Degrees).

WILLIAM FRIEDKIN

Born 1939 in Chicago, he grew up in that city without any theatrical ambitions. At high school, his skill as a basketball player gained him offers of several university scholarships, but he preferred to look for a job. Answering an advertisement for a mail room vacancy at a TV station, he moved up from mail boy to studio floor manager in six months, and after a similar period was directing some live broadcasts. He went on to direct automobile commercials, children's shows, etc., rising to more demanding musical and dramatic programmes. Between 1954 and 1963, Friedkin directed some 2,000 TV assignments, as well as a dozen documentary films that encouraged producer David L. Wolper to sign him up. For Wolper, he wrote, produced and directed several TV specials including a study of American law enforcement called "The Thin Blue Line". His big screen debut came with a Sonny and Cher vehicle, Good Times (1967), unreleased in Britain. He has followed this with The Night They Raided Minsky's (1968), The Birthday Party (1970) (from the Pinter play), and The Boys in the Band (1970). During the recent 'Moors murder case', he planned to make a film account in conjunction with actor-writer Emlyn Williams, and two other projects, Forfeit and Naked Face, have been announced for him in recent times.

—A. E.



OVANESSIAN'S IRAN "SPRING" FROM

Arby Ovanessian is one of the only two Iranian film-makers whose long features have been included in the competition section of the first Tehran International Film Festival. His «Cheshmeh» (Spring) which will be shown as part of the festival's official programme is, at the same time, the first long feature film he has made and his second venture into film making.

The first film Ovanessian made was short semi-documentary about the annual pilgrimage of Irani an Armenians to "Qara Kelissa" (The Black Cathedral) near Maku in northwest Iran.

But Ovanessian is already well known in Iran for his work as a theatre director. He has staged a number of highly original and equally controversial plays that provoked much heated controversy among critics here.

Ovanessian who studied cinema at the London Film School made his debut in the world of dramatic arts here with his production of "Research into the fossils of the 25th geological era" — a Persian play written by a Tehrani news vendor. The play was selected for performance during the Shiraz Festival of Arts three years ago and led to a debate that still continues.

Later Ovanessian returned to the Shiraz Festival with another controversial play "Vis and Ramin" which was an adaptation of one of the best loved love epoppes in Persian literature.

Ever since Ovanessian has directed a number of plays including "Hedda Gabler" by Ibsen and a play by the Armenian dramatist Leon Schut. For the past two years he has also been one of the organisers and staff directors of the Tehran Theatre Workshop which has set up a "rival tribune" against commercial and official theatre in the capital.

Last year Ovanessian was co-director of an experimental play called "Orghast" written by British poet Ted Hughes in a new and invented language. The play's chief director was Peter Brook and the cast was an international one.

Ovanessian's "Spring" is based on a novel called "The Cpring of Hoghnar" written by an Armenian writer who used "Armen" as a pen-name.

Ovanessian summarises the "story of his film like this : It is a tale of love and loving. One couple is composed of a husband and wife. Three are two other men who are in love with the wife. There are also others whom we encounter by chance in the course of the film.

THE FRENCH CONNECTION

It is entirely appropriate that The French Connection should come from 20th Century-Fox. It is very much the modern counterpart of the all-location pictures like The House on 92nd Street and Call Northside 777 that the studio was turning out in the late Forties. In this documentary-style story of the smashing of a major drug-trafficking operation there is the same carefulattention to locations, to detail, and to casting. Gone fortunately is the old idea of explanatory narration, though at the end titles reveal the outcome of the affair as it affected the principals (it is cynically apt that the handsome French TV star should turn out to be the fall guy for actually carrying the heroin consignment into the United States in his automobile). The Marseilles sequences are subtitled to maintain conviction, a brief episode is patently but not ostentatiously shot in Washington D.C., but otherwise it is New York that is vividly evoked in all its grimey decay and coldness of winter. And whereas Fox used to give leading roles to star players as box-office insurance and then require them to subdue their familiar screen personalities to fit in with a more anonymous supporting cast, here there are no real star names and even Fernando Rey and Gene Hackman aren't familiar faces in this kind of setting. In particular, Hackman's performance is a stunning job of complete deglamourisation and absorption into a role — that of no ordinary cop but a coarse, brutal, stubborn, irritable guy who needs his work like a drowning sailor needs a lifebelt, who notches up a record number of arrests and, even in his moment of relaxation with a girl he's picked up, propping her bicycle against the door to foil intruders and being playfully handcuffed to the bed by her.

EDITORIAL

SPRING AND PASOLINI

Hardly a week has passed since the festival committee announced the inclusion of Pier Paolo Pasolini's complete film works in the retrospective section of the Tehran International Film Festival. And yet all the tickets for each day's two showings have already been completely sold out.

Considering the fact that Pasolini, described as a poet of the cinema, is not a typical king of the box office and that only some of his films have previously been seen in exclusive showing in Tehran the response he has received here this spring indicates the growing sophistication of film-goers in the Iranian capital. According to box office watchers most Pasolini fans are young people specially university students and young workers.

It is precisely in response to this new and increasingly young generation of spectators that the Ministry of Culture and Arts has organised the Tehran International Film Festival. Cinema is not a new phenomenon to Iranians and the first films ever shown in the Middle East were screened in Tehran in 1922. But it was not until 1935 that the first permanent cinema hall was established here. Ever since, cinema has grown into the most popular art form in this country-second probably only to poetry. Today cinema provides the single biggest pastime for millions of people throughout Iran. Tehran alone has nearly 100 film theatres and at least as many more exist in other cities throughout the country. The number of film goers in Iran is estimated at between five and six million each year — this means that some one fifth of Iran's population of 30 million go to cinema at least once a year.

Unlike many other countries where the advent of the television has dealt a serious blow to the fortunes of the cinema Iran is still very much a film country. The Iranian TV networks already cover most parts of the country and have enlisted millions of regular spectators. This, however, seems only to have further whetted the appetite of the Iranians for cinema judging by the new cinema theatres that are being constructed almost everywhere in this country and the increasingly large takings of the box office.

This popularity is not confined tocommercial cinema in the broadest sense of the term. Intellectual cinema has also succeeded in securing for itself a large number of spectators. Most university students throughout the country have already established their own film clubs where the more select works of cinema are shown. A series of mini film festivals are organised by various cultural associations in Iran every year. These range from festivals of work by masters of the art to the retrospective introduction of various cinematic schools.

To many of the more sophisticated Iranian film-goers names such as those of Grigori Schukhrai, Federico Fellini, John Ford, Frank Capra and Ernst Lubitsch have become household names. The space reserved to coverage of cinema by Iran's mass circulation dailies is well comparable to that of their counterparts in Paris, London or New York. And this is in addition to specialised cinema magazines.

Controversies concerning this or that new film often provoke heated passions. Films could be discussed by fans and critics here for months on end. In other words cinema, while a pleasant pastime for the Iranians, is also taken very seriously by them. This is possibly because most cinema-goers here do not consider the seventh art as a genre that has already crossed the border into pure commercialism. The average Iranian film-goer, specially in the bigger cities, considers cinema to have a greater role to play not only by introducing various ways of life to people throughout the world but also by probing the depths of a plurality of human situations.

Another characteristic of the average Iranian film-goer is his broad international outlook. This is because the Iranian cinema scene is not dominated by films from any one country. Situated at the crossroads of East and West, Iran is probably the only country where films from North America, Asia and Europe are shown side by side. This is in addition to locally produced films which are, understandly, more popular with the mass of cinema goers.

This versatility of taste has given Tehran a special place in the world of cinema.

Tehran is probably the only major city in this part of the world where films from countries as wide apart as the U.S., Britain, Japan and India can be shown side by side at various cinemas.

Since the early sixties most films shown here are dubbed into Persian. But showings of foreign films in original versions is also popular catering for Tehran's large community of expatriates from as many as 20 countries. Regular film showing in English, French and German are organised by various cinemas as well as cultural associations. And now we are even having original version showings of films in Hindi for the expatriate Indians here!

All this goes to show that Tehran today is very much an important film centre. It is probably the only Middle Eastern metropolis that can house an international festival of this kind.

THE MINISTER OF CULTURE AND ART'S OPENING SPEECH AT THE FESTIVAL

The following is the full text of Minister of Culture and Art H.E. Mehrdad Pahlbod's speech at the festival's inaugural session last night in the presence of Her Imperial Majesty Farah Pahlavi Shahbanou of Iran:

Majesty,

The gracious presence of the Empress of Iran at Roudaki Hall is a source of joy and pride to all servants and workers of culture and art. The first Tehran International Festival represents the third such international artistic festival organised thanks to the security and peace created in this country under the leadership of the Shahanshah who has always supported and promoted culture in this country.

This festival, one among nearly 200 festivals, is only one of six competition based festivals of the first international order to have been recognised by the World Federation of Film Producers. Right from the start the festival has met with warm support from all the distinguished artistic personalities of various countries.

The main objective of the festival is based on one of the time-honoured Iranian principles which is the promotion of humanity and assistance to understanding among various peoples. In choosing this goal we have been directly inspired by the lofty ideals and thoughts of His Imperial Majesty the Shahanshah Aryamehr.

The holding of this festival will, no doubt, help promote the present-day Iranian society's knowledge and understanding of cinema at a time we are making big strides in all walks of life. The showing of Iranian films along select films from various other countries in the international competition section will promote a desirable change in the work of cinema and lovers of the seventh art in this country.

Members of the festival's jury are :

Mr. Grigori Chukhrai film director from the Soviet Union, Mr. Thorweld Dickinson from the United Kingdom, Mr. Michael Coteza, Director of the Chicago Film Festival from the United States, Mr. Alberto Lattuada from Italy, H.E. Abdol Majid Majidi, Minister of Labour and Social Affairs and Chairman of the Council of Arts from Iran, Mr. Sales Gomez, film critic from Brazil, Mr. Salah Abuyousef from the Arab Republic of Egypt, Mrs. Kahiko Kawakita, Director of the Council of Japanese Cinematheques from Japan, Miss Odile Versoie, film actress from France, Mr. Imre Gynogyossi, film director from the Hungarian People's Republic, and Mr. Satyajit Ray, film director from India.

All the members of the jury are among the most outstanding personalities of cinema, are admired for their deep understanding and knowledge and enjoy great prestige throughout the world.

Presenting my infinite gratitude to Her Imperial Majesty I beg for permission to extend my thanks to all the distinguished personalities and critics who have accepted the Tehran International Film Festival's invitation and have come to Iran. I also thank all the public and private organisations here and abroad who have cooperated in holding this great artistic event.

TEHRAN INTERNATIONAL FILM FESTIVAL

A GRAND OPENING AT ROUDAKI HALL



The first Tehran International Film Festival was inaugurated in the presence of Empress Farah last night. Prince Gholam Reza and his wife Princess Manizheh were also present when the festival was officially opened.

Minister of Culture and Art H.E. Mehrdad Pahlbod welcomed the Empress and the distinguished guests and presented a report on the festival in which he said the new festival, although one among 200 film festivals throughout the world, was one of only six accepted by the international syndicate of producers.

The minister also announced the names of the members of the international jury that is judging the competition section of the festival.

Roudaki Hall, Tehran's opera house where the festival's competition films will be shown over the next 10 days saw a star-studded evening yesterday. A large number of Iranian cineastes, critics, stars, producers and journalists were present in addition to several ministers, ambassadors and members of the Tehran diplomatic corps and their wives.

Almost all the big names in Iranian cinema were there providing a unique gathering at Roudaki.

The film that was shown during the inaugural session was William Freidkin's «French Connection» which has already been acclaimed by critics in many countries. «French Connection» was, however, having its premiere in Tehran.

Although the first film to be shown during the festival Friedkin's master thriller is not entered in the competition section of the TIFF.

Shortly before the inauguration ceremony Minister of Culture and Art H.E. Pahlbod was received in audience by Her Imperial Majesty together with a number of distinguished guests from abroad and members of the international jury.

During the audience the jury members and other guests were received by Her Imperial Majesty who conveyed to them Iran's appreciation of their cooperation with the young festival.